

درباره تظاهرات و اهانت به مردم

امیرفیض- حقوقدان

امروز کارشناسان خارجی تعداد ایرانیان شرکت کننده در تظاهرات روزهای گذشته را یکصد هزار تن تخمین زده اند (خبر امروز).

اعلامیه جمهوری اسلامی گفته است که اکثریت دستگیرشدگان تظاهرات اخیر کم درآمد و مشکل زندگی داشته اند که میتوان گفت تظاهرات مردم تظاهرات گرسنگان بوده است.

رقم مشارکت صد هزار نفر که غالباً محتاج نان و زندگی بوده اند و در واقع مفهوم و معنای تظاهرات مرگ یا زندگی را میدهد چیز بسیار با اهمیتی است که در صورت داشتن رهبری و سازمان مبارزاتی و ستاد رهبری تظاهرات بزودی میتواندست به قیام گرسنگان سراسری ایران مبدل شود که متأسفانه نشد.

ماهیت تظاهرات و آشوبها وقتی گرسنگی بود مقاومت حکومت در مقابل آن بسیار دشوار است و مامورین دولتها مایل به سرکوب گرسنگان نیستند و جامعه بین الملل هم به موضوع حساسیت بسیاری دارد و قیام گرسنگان همواره با وحشتی که برای دولت و متمولین ایجاد میکند روحیه مقاومت را در طرف مقابل از بین میبرد، **خاصه به اینکه انگیزه تظاهرات و قیام جرم محسوب نمیشود قیام گرسنگان طبیعی ترین انقلابات بحساب میآید.**

ضرب المثل آدم گرسنه دین و ایمان ندارد بازگوکننده اهمیت ماهیت برخاستن گرسنگان است.

باب اهانت

ایرانیها در این مصاف مرگ و زندگی نه تنها بعلت نداشتن رهبری و سازمان باخت بزرگی کردند بلکه درست مانند یک بچه بی پدر هر که از راه رسید چند ناسزا و فحش هم به این مردم گرسنه به ستوه آمده داد.

یک آخوندی بنام صدیقی امام جمعه تهران مردم گرسنه و به ستوه آمده را آشغال و زباله های فراری نامید (همان موقع که تصویر سروگردن او را دیدم چه با حسرت که یاد داعش را خالی کردم).

یک به اصطلاح **ایرانی بنام سید محمد حسینی** که از کارمندان صدا و سیمای جمهوری اسلامی بوده و در خارج از کشور دکان تازه ای بنام «ری استارت» باز کرده در رابطه با تظاهرات گفت **«باید به صورت ایرانیانی که برای نان و تخم مرغ به خیابانها آمده اند شاشید».**

یعنی مردمی که در تظاهرات شرکت کردند و خواست های خودشان را به جهانیان اعلام نمودند نه تنها در حد آشغال و زباله معمولی هستند بلکه در حد آشغال و زباله ای هستند که **باید بصورتشان شاشید.**

حدود ۴۰۰۰ ایرانی در بازداشت رژیم و حدود بیست و چند تن هم مقتول و پاداش آن مردم هم شاشیدن به صورتشان است.

فکر نکنید که این بلاها و این تحقیرها و این زندانی و شکنجه کردن ها غیر معمول است خیر هر تظاهراتی که بدون رهبری و مانیفست و سازمان باشد عاقبت آن همین است که بر تظاهرات اخیر ایرانیان رفته است؛ زیرا دولت و مامورین آن بیم تعقیب و واکنش از جانب نیروهای مخالف را ندارند و میدانند که مخالفین بعلت نداشتن رهبری و سازمان بزودی آب میشوند.

کسانی در خارج از کشور ادعا میکنند که از تظاهرات اخیر ایرانیان پشتیبانی میکنند، بنده عرض میکنم پشتیبانی پیشکشتان لااقل بصورت آن درد و رنج کشیده ها و گرسنه ها نشاشید؛ نرنجید، سکوتی که ایرانیان در قبال واکنش سید محمد حسینی نسبت به تظاهرات داشته (شاشیدن بصورت آنها) دلیل تائید است.

نگوید که حسینی یک غلطی کرده به ما و ایرانیان چه! خیر هر حرکتی از سوی هر ایرانی خارج از کشور بروز کند بنام همه ایرانیان خارج از کشور بحساب مبارزه سیاسی ایرانیان خارج از کشور منظور میگردد. همانطور هم هر حرکتی که از سوی مخالفان حکومت در داخل کشور بروز نماید به حساب تظاهرات و یا مخالفین جمهوری اسلامی منظور میگردد.

خدمت به جمهوری اسلامی

حسینی با حکم <باید بصورت تظاهرکنندگان شاشید> یک دریای نفرت وجدانی و قهر بین ایرانیان خارج از کشور و مخالفان جمهوری اسلامی در داخل کشور بوجود آورد.

دریای نفرتی از شاش که یکطرف آن شاش ایرانیان خارج از کشور **بعلاوه** تمام آخوندها و هواداران جمهوری اسلامی **بعلاوه** میلیون ها ایرانی که در تظاهرات شرکت نکرده بودند و طرف دیگر، آن عده ایرانی مفلوک و گرسنه که دست به تظاهرات زده اند و بجای دلجویی و همراهی با آنها اظهار شرمندگی که نتوانستیم و نمیتوانیم کمکی به آنها بکنیم شاشیدن به صورتشان را حواله شان دادیم.

کمک و همراهی با جمهوری اسلامی یعنی همین حکم شاشیدن بصورت مخالفان داخلی جمهوری اسلامی است که حسینی توانست تنها بایک کلمه و جمله دیواری عظیم از نفاق و دشمنی وضدیت فراموش نشدنی بین مخالفان داخلی و بیشتر ایرانیان خارج از کشور بوجود آورد.

شاشیدن به صورت، شدید ترین اهانت و تحقیر است که در هیچ جامعه عقب مانده ای رایج نیست اصلا شاشیدن به صورت، نوعی شکنجه است نه تحقیر و اهانت، عقیده دارم که این اهانت و تحقیر بمراتب سنگین تر از آن **خس و خاشاک و زباله است که امام جمعه تهران به تظاهرکنندگان هدیه داد.**

اینجوری مامورین خفیه جمهوری اسلامی در بزنگاه های خاص ضربه ای راکه باید میزنند.

خواننده محترم این تحریر؛ شما اگر بمناسبتی و حتی دستوری که از کسی رسیده به کاری اقدام کردید (در تظاهرات شرکت کردید و پیامهای <خیابانها اترک نکنید راهم گرفتید>) و بعد از همان سو حکم آمد که باید بصورت شما که بتشویق ایرانیان خارج از کشور در تظاهرات شرکت کرده اید شاشیده شود؛ شما چه حال و روزی نسبت به ایرانیان خارج از کشور پیدا خواهید کرد و آیا بار دیگری که ایرانیان خارج از کشور خواستار تظاهرات شما میشوند زیر بار آن دعوت میروید و یا صحنه شاشیدن به صورت خودتان یادتان میآید و آنقدر به کنار میروید که شاشیدن به صورتتان نرسد، خدمت به جمهوری اسلامی یعنی این که بتحقیق میتوان گفت در تاریخ مبارزه هیچ عاملی چنین کمکی به جمهوری اسلامی نکرده است که سید محمد حسینی کرده است.

تظاهرات

امروز به همت جاوید ایران در جریان قطعنامه تظاهراتی قرار گرفتیم؛ چه افسوس که تفاوتی بین آن قطعنامه و قطعنامه های دوران ۴۰ ساله ندیدم، قطعنامه یعنی موضوع که به قطعیت رای رسیده و باید به اجرا درآید. قطعنامه لازم دارد که کسی ویا هیئتی مامور اجرای آن گردد و گزارش کاری خودشان را به مردمی که در تظاهرات شرکت کرده اند بدهند. آیا شما در ۴۰ سال گذشته حتی یک مورد دیده اید که کسی ویا هیئتی گزارشی از قطعنامه مصوبه اعم از اجرا و یا مشکلات آن بدهد؟

چندسال است که مسئله رهبری قائمه اصلی مبارزه وخواست مبارزین است؟ چند بار است که ما با این سخن اعلیحضرت روبرو هستیم که >هرچه اصرار کنید نه کسی را انتخاب میکنم ونه رهبری مینمایم<.

این اشارات بدین منظوره تحریر آمد که بدانیم که یک عامل مقتدری مانع است که رهبری مبارزه ما در جهت سنت و منش ایرانی پیش برود، فریادهای ایرانیان داخل کشور و شعارهای آنان از باب رهبری اعلیحضرت پاسخ این قطعنامه ها نیست.